

به یاد درخت با طراوت کوچه اقا قیا

مهم‌ترین ویژگی زنده‌یاد منوچهر نوذری در مقام مجری برنامه‌های مسابقه‌ای و طنز، حاضر جوابی‌اش بود.



جام جم آنلاین: مهم‌ترین ویژگی زنده‌یاد منوچهر نوذری در مقام مجری برنامه‌های مسابقه‌ای و طنز، حاضر جوابی‌اش بود. او می‌دانست که چگونه روی لبه تیغ حرکت کند و به گونه‌ای جواب طرف مقابلش را بدهد که مخاطب سر ذوق بیاید و حریم‌های ادب و احترام هم شکسته نشود؛ اصلی که خیلی از مجری‌های امروزی آن را نادیده می‌گیرند.

مجری‌های جوانی که گاه بیش از حد مودب و اتوکشیده می‌شوند و گاه چیزی می‌گویند که رنجش خاطر مهمان برنامه را همراه دارد.

اگر یادتان باشد عادل فردوسی‌پور زمانی که جوانی گمنام بود در یکی از قسمت‌های مسابقه هفته شرکت کرده بود. بخش‌هایی از این قسمت که چندی پیش در برنامه نود روی آنتن رفت گویای حاضر جوابی منوچهر نوذری بود.

هنگامی که این مجری از فردوسی‌پور سوالی پرسید که جوابش بله می‌شد، فردوسی‌پور پاسخ داد «ادسون آران‌تس دو ناسیمنتو معروف به پله» نوذری که تعجب کرده بود از عادل خواست که این اسم را چند بار دیگر تکرار کند.

اوج ماجرا در آخرین تکرار بود که نوذری با لبخندی که خاص خودش بود به فردوسی‌پور گفت: خودتی! الان وقتی بازی خوب و روان نوذری در سریال کوچه اقا قیا را می‌بینیم یادمان می‌آید که توانایی‌های این هنرمند فقط به حوزه اجرا محدود نمی‌شد.

او در طنزنویسی، صدایشگویی و بازیگری نیز حرف‌های زیادی برای گفتن داشت.

صادق عبداللہی، طنزنویس برنامه رادیویی جمعه ایرانی که سال‌ها با نوذری همکار بوده، تعبیر جالبی درباره این هنرمند دارد: نوذری چاهی بود که آبش خشک نمی‌شد. چشمه خلاقیت نوذری همواره جوشان بود و او با تکیه بر همین خلاقیت مخاطبانش را تا آخرین لحظه یک برنامه پای رادیو و تلویزیون نگه می‌داشت. تیپ‌های رادیویی چون آقای ملون و آقای دست و دلباز این قدر تاثیرگذار است که تکیه کلام‌هایشان هنوز هم بین مردم استفاده می‌شود.

ملون با روحیه بی‌ثباتش و دست و دلباز با خساستش، دو شخصیت ملموسی بودند که خیلی زود جایشان را بین شنوندگان رادیو باز کردند. کوچه اقا قیا ساخته رضا عطاران هم‌اکنون از شبکه آی فیلم در حال پخش است؛ سریالی که در آن نوذری یکی از نقش‌های اصلی و کلیدی را بازی می‌کند. او پدر یک خانواده است که در روزهای آخر عمرش به افسردگی دچار شده است.

بچه‌هایش می‌خواهند با انجام کارهای نمایشی روحیه از دست رفته‌اش را به او برگردانند. اما همیشه نقشه‌شان نقش بر آب می‌شود. آنها او را به آن دلون بازیگر سینما تشبیه می‌کنند، با او مچ می‌اندازند و شکست می‌خورند تا پدر به یاد روزهای شیرین جوانی بیفتد، اما زخم روحی پدر عمیق تر از آن است که با این چیزها مرهم یابد.... مسلماً اجرای این صحنه‌ها برای بازیگری که در پشت صحنه همیشه لبخند بر لب دارد، کاری سخت و دشوار است.

اما منوچهر نوذری از عهده این مأموریت دشوار بخوبی برمی‌آید. او همان بازیگری است که همواره در پایان برنامه صبح جمعه با شما می‌گفت: ز حق توفیق خدمت خواستم دل گفت پنهانی / چه توفیقی از این بهتر که خلقی را بخندانی.

هنگامی که نوذری در 16 آذر ۱۳۸۴ دار فانی را بدرود گفت، این جمله روی سنگ مزارش نقش بست. روحش شاد و یادش گرامی باد.

احسان رحیم‌زاده - گروه رادیو و تلویزیون